



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Islamic
Theology and Knowledge

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://rahnama.isri.ac.ir>

Volume: 2; Number: 3



The Cultural Impact of Imam Reza's Presence in Merv: An Analytical Study

Zahra Hashemi*, Yahya Mirhoseini**, Mahdi Esmailpoor***

Doi: <https://doi.org/10.22034/gr.2025.530155.1039>

Receipt: 2025/06/12 - Accepted: 2025/08/25

(206-231)

Abstract

The short stay of Imam Reza (pbuh) in the city of Merv was under the political compulsion of the Abbasid Caliphate, but it resulted in a series of religious and cultural activities in that area. This research uses a descriptive-analytical method to review the major cultural outcomes of the Imam's presence there and to examine instances of his social and intellectual activities. His most important cultural acts are found to have been speculative debates with the followers of various religions and creeds, elucidation of the Imamate position, semantic corrections on religious concepts such as monotheism and asceticism, and teachings in different domains such as lifestyle. These activities served to reinforce Shia theological foundations and introduce a pattern of religious rationality and dialogues among civilizations in a very complicated era in the history of the Muslim world. This denotes the continuation of the cultural approach adopted by the other Shia Imams.

Keywords: Imam Reza (Pbuh), Merv, Religious Discourse, Scientific Debate, Islamic Rationalism, Shia Culture.

*. Assistant professor, Department of Islamic Studies, College of Theology, Meybod University, Meybod, Iran (Corresponding Author), Hashemi@Meybod.ac.ir.

** Associate professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, College of Theology, Meybod University, Meybod, Iran, Mirhoseini@Meybod.ac.ir.

*** Assistant professor, Department of Theology, Yazd University, Yazd, Iran, mahdiesmailpoor@yazd.ac.ir.



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه هیات و معارف اسلامی
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
نشانی پانگاه نشریه: <http://rahnama.isri.ac.ir>
سال دوم: شماره سوم

واکاوی مهم‌ترین آثار فرهنگی حضور امام رضا (ع) در شهر مرو

زهرا هاشمی*، یحیی میرحسینی**، مهدی اسماعیل‌پور***

Doi: 10.22034/gr.2025.530155.1039

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

(۲۰۶-۲۳۱)



چکیده

حضور کوتاه‌مدت امام رضا (ع) در شهر مرو، گرچه برآمده از اجبار سیاسی خلافت عباسی بود، اما در بستر فرهنگی و مذهبی این منطقه، به الگویی از کنش فعال دینی و فرهنگی تبدیل شد. این مقاله باهدف مرور و تحلیل مهم‌ترین آثار فرهنگی این حضور، به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی جلوه‌هایی از فعالیت‌های فکری و اجتماعی آن حضرت در مرو می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مناظرات علمی با پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، تبیین جایگاه امامت، اصلاح معنایی مفاهیم دینی مانند توحید و زهد و ارائه آموزه‌هایی در ابعاد مختلف مانند سبک زندگی، ازجمله مهم‌ترین نمودهای کنش فرهنگی امام رضا (ع) در این دوره است. این فعالیت‌ها، افزون بر تثبیت معالم و معارف امامیه، الگویی از عقلانیت دینی و گفت‌وگوی تمدنی را در یکی از پیچیده‌ترین مقاطع تاریخی جهان اسلام به نمایش گذاشتند و استمرار رویکرد فرهنگی اهل بیت (ع) را برجسته ساختند. **واژگان کلیدی:** امام رضا (ع)، مرو، گفتمان دینی، مناظرات علمی، عقلانیت اسلامی، فرهنگ شیعی.

*. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)، Hashemi@Meybod.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران، Mirhoseini@Meybod.ac.ir

*** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران، mahdiesmailpoor@yazd.ac.ir

مقدمه

طبق آموزه‌های اسلامی، ائمه اطهار علیهم‌السلام نور واحدی‌اند و از اصول هدایت مشترک بهره‌مند هستند (کلینی، ۱۳۷۵، ۲: ۷۵۲)؛ با این حال، تفاوت‌هایی در عملکرد و موضع‌گیری آنان در دوره‌های تاریخی مختلف مشاهده می‌شود که بازتاب شرایط ویژه زمان، مکان، مخاطب و بافت فرهنگی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۶). این تفاوت‌ها در علوم انسانی با مفهوم «گفتمان» (Discourse) تحلیل می‌شود، مفهومی که ساختارهای زبانی و معرفتی را در چارچوب اجتماعی و تاریخی شکل می‌دهد و امکان فهم عمیق‌تر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی سخن یا کنش را فراهم می‌کند.

گرچه امام در جایگاه هدایت‌گر الهی، معصوم و مصون از خطا است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۰۳)، شیوه تجلی این هدایت‌گری متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سطح درک مخاطبان متفاوت است. به همین دلیل، روش‌های هدایت، شامل مواجهه با مخالفان، شیوه تعلیم یا کنش سیاسی، ممکن است با توجه به مقتضیات زمان تغییر یابد بدون آنکه در اصل رسالت یا اهداف الهی امام تغییری ایجاد شود.

تفاوت میان رفتار امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام نیز ناشی از تفاوت ابزار و شرایط زمانه است، نه تفاوت در موضع‌گیری یا شخصیت؛ هر دو، با حفظ یک خط سیر ثابت در تحقق اهداف الهی، از شیوه‌های متناسب با شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بهره‌گرفتند (صادقی کاشانی؛ صفری فروشانی، ۱۳۹۵: ۲۷-۴۴)؛ بنابراین تحلیل کنش‌ها و سخنان ائمه بدون توجه به بستر تاریخی و اجتماعی ممکن است ناقص یا ساده‌انگارانه باشد و استفاده از مفاهیم علوم انسانی صرفاً به‌عنوان ابزار تحلیلی برای فهم گفتمان آنان کاربرد دارد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی، بخشی از گفتمان‌های فرهنگی و دینی امام رضا علیه‌السلام در دوره اقامت ایشان در مرو را بررسی می‌کند تا نشان دهد چگونه در بستر خاص اجتماعی - سیاسی آن دوره، به هدایت فرهنگی جامعه اسلامی اهتمام ورزیده‌اند. دوره امامت امام رضا علیه‌السلام به دو مقطع اصلی تقسیم می‌شود: هفده سال اقامت در مدینه (۱۸۳ تا ۲۰۱ ق) و سه سال حضور در خراسان، به‌ویژه شهر مرو (۲۰۱ تا ۲۰۳ ق). هجرت و

اقامت ایشان در مرو، نقطه عطفی در تاریخ تشیع و تمدن اسلامی و آغاز تحولی فرهنگی و علمی در میان مسلمانان ایرانی قلمداد می‌شود.

۱. چارچوب مفهومی: گفتمان فرهنگی و دینی سیره امام رضا

در آموزه‌های قرآن و روایات شیعی، امام نه فقط یک عالم دینی، بلکه رهبری الهی، حجت خدا بر خلق و مرجع هدایت فکری، اخلاقی و اجتماعی امت است. بر پایه آیات قرآن (رعد: ۷؛ نساء: ۵۹) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۷۸)، امام مسئول هدایت امت، حفظ دین، پاسخ به تمام نیازهای مردم در ابعاد مختلف دینی و دنیایی و دفاع از مرزهای اعتقادی اسلام است. از دیدگاه کلامی شیعه، امام دارای علم لدنی، عصمت و مشروعیت الهی برای اداره جامعه و مواجهه با چالش‌های معرفتی و فرهنگی هر دوره است (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۳۸).

با این مبنا، عملکرد امام رضا در قالب «گفتمان دینی و فرهنگی» قابل تحلیل است. گفتمان در علوم انسانی، نظامی از معانی و قواعد است که در بستر ساختارهای زبانی، اجتماعی و تاریخی شکل می‌گیرد و بر رفتارها و نگرش‌ها اثرگذار است (فاضلی، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۶). گفتمان دینی اهل بیت شامل کنش‌های کلامی، فکری و رفتاری است که برای تبیین و تثبیت آموزه‌های الهی در تعامل با جامعه طراحی می‌شود.

امام رضا در مرو از طریق مناظرات علمی، خطبه‌ها و پاسخ به شبهات، گفتمانی دینی پایه‌گذاری کردند که از اصول توحیدی دفاع و از عقلانیت برای مواجهه با دهریه، زنادقه و ظاهرگرایان بهره می‌گرفت؛ همچنین، گفتمان فرهنگی ایشان، مفاهیمی مانند امامت، علم، زهد و اعتدال را در جامعه خراسان بازتولید کرد و ضمن مقابله با انحرافات فکری، هویت شیعی را در دل خلافت عباسی تقویت نمود (میرحسینی؛ کریمی، ۱۳۹۲: ۹۵-۱۱۴)؛ بنابراین، گفتمان دینی و فرهنگی در سیره امام رضا نه تنها ابزار ارتباطی، بلکه راهبردی تمدنی برای هدایت و تعالی جامعه انسانی است که ریشه در وظایف الهی و راهبری معرفتی امام دارد.

۲. پیشینه و روش تحقیق

با وجود اهمیت مقطع حضور امام رضا علیه السلام در شهر مرو، تاکنون پژوهش‌های مستقلی که با رویکرد تحلیلی به تبیین گفتمان‌های فرهنگی ایشان در این دوره بپردازند، بسیار اندک بوده‌اند. برخی از آثار تنها به ضرورت تحلیل این دوره اشاره کرده‌اند (قرشی، ۱۳۸۰: ج ۲: ۱۸۱) و برخی دیگر به بررسی اجمالی یک یا چند محور از گفتمان‌های آن حضرت بسنده کرده‌اند (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۵۶؛ پاکدامن، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۳؛ مجیدی، ۱۳۹۲: ص ۹-۴۰)؛ همچنین برخی پژوهش‌ها صرفاً به گزارش دیدگاه‌های یاران حضرت پرداخته‌اند، بدون آنکه منظومه‌ای از اهداف و پیام‌های فرهنگی امام را به صورت منسجم ترسیم کنند (رمزی؛ حاجیلو، ۱۳۹۳: ۱-۲۳).

در این میان، کتاب «همگام با امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو» اثر دکتر جلیل عرفان‌منش نیز از جمله منابع ارزشمندی است که به تفصیل به موضوع حضور امام در شهر مرو پرداخته و ضمن مرور مباحثی چون ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی مرو، شرایط سیاسی عصر مأمون، ماجرای ولایت عهدی و برخی مناظرات علمی، تصویری روشن از این مقطع تاریخی ارائه کرده است (عرفان‌منش، ۱۳۸۹: ۲۱۶-۲۶۰)؛ با این حال، تمرکز اصلی آن اثر، بیش‌تر بر بیان رویدادها و توصیف حرکت تاریخی امام از مدینه تا مرو بوده و به نظر می‌رسد تحلیل ساختار گفتمان فرهنگی و دینی حضرت، مدنظر نویسنده نبوده است. در مقابل، پژوهش حاضر می‌کوشد با نگاهی تحلیلی، نحوه شکل‌گیری و کارکردهای فرهنگی و معرفتی اندیشه امام رضا علیه السلام را در فضای خاص اجتماعی - سیاسی مرو بررسی و بازخوانی کند.

این تحقیق کیفی و توصیفی - تحلیلی است که داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده و با روش تحلیل محتوای کیفی، ابعاد گفتمان فرهنگی امام رضا علیه السلام استخراج و تحلیل شده است. هدف، ارائه تحلیلی مفهومی و نظری از آثار فرهنگی حضور امام در مرو و پیامدهای آن برای جامعه اسلامی است. سطح تحلیل عمدتاً کلان است و گفتمان دینی و فرهنگی امام در پیوند با زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران خلافت عباسی و نقش آن در بازسازی هویت دینی جامعه بررسی می‌شود؛ همچنین برخی نمودهای خرد

گفتمانی، از جمله مناظرات، شیوه استدلال و کاربرد زبان دینی در تعامل با مخاطبان، مورد توجه قرار گرفته است.

۳. موقعیت جغرافیایی و تاریخی شهر مرو

شهر مرو که با عنوان «مرو شاهجان»^۱ نیز از آن یاد شده از شهرهای مهم خراسان بزرگ^۲ در دوران اسلامی بوده است. در تقسیم‌بندی جغرافیایی کهن، ایالت خراسان به چهار رُبع اصلی تقسیم می‌شد. بر اساس گزارش‌ها، ربع دوم شامل شهرهای مرو، سرخس، نسا، طالقان و خوارزم بوده است، درحالی‌که نیشابور، طوس و هرات در ربع نخست قرار داشته‌اند (ابن الفقیه، ۱۴۱۶: ۶۱۵؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۱۳).^۳ قدمت تاریخی مرو نیز چشم‌گیر است؛ برخی بنای آن را به دوران اسطوره‌ای ایران نسبت داده‌اند (اصطخری، ۱۳۶۲: ۲۰۵) و شواهد باستان‌شناسی از تمدن پیش از میلاد در این ناحیه حکایت دارد (بلنیتسکی، ۱۳۷۸: ۸۴؛ پیرنیا، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۴۴).

فتح مرو به دوران خلافت عثمان بازمی‌گردد و در سال ۳۰ یا ۳۱ ق به دست حاتم بن نعمان باهلی صورت گرفت (بلاذری، ۱۹۹۸: ۳۹۲؛ سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲: ۲۰۷؛

۱. واژه «شاهجان» برای تمایز برقرار کردن میان مرو بزرگ با شهر کوچک تری به نام «مرو رود» به کار می‌رفته است؛ بنابراین هرگاه مرو به صورت مطلق به کار رود اشاره به همان مرو شاهجان یا مرو بزرگ دارد. درباره وجه تسمیه باید گفت برخی بر این باور هستند که مرو، واژه‌ای فارسی به معنای فرح و خوشحالی زیاد است؛ لذا مرو شاهجان به معنای مکانی است که موجب خرسندی جان و روان پادشاهان می‌شود (حمیری، ۱۹۸۴: ۵۳۲). شاهجان نیز صورت معرب «شاهگان» است و در این صورت به معنای جایی است که فرماندار مرو در آنجا می‌زیسته است.

۲. شاید به سبب همین اهمیت بوده است که آن را «ام خراسان» نیز نامیده‌اند (حمیری، ۱۹۸۴: ۵۳۲).
۳. پس از فتوحات اول اسلامی، کرسی ایالت خراسان مرو و بلخ بود ولی بعدها امرا سلسله طاهریان مرکز فرمانروایی خود را به نیشابور منتقل کردند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۴۰۹-۴۰۸).

۴. منطقه مرو تا دوره ناصرالدین شاه قاجار تابع ایران بود و اینک تابع جمهوری ترکمنستان است. البته ناگفته نماند که شهر مرو به دست امیر مغولان به نام «شاهزاده تولی خان» تخریب و بسیاری از مردمان آن کشته شدند (هروی، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۵)؛ برخی تعداد کشته‌شدگان را ۹ میلیون دانسته‌اند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۴۲۸). به عقیده برخی پس از تخریب مرو در سال ۱۲۲۱ میلادی توسط مغولان، شهر دیگر نتوانست شکوه گذشته را به دست آورد (بارتولد، ۱۳۵۸: ۸۲). امروزه شهر مرو آبادانی و شکوه گذشته را ندارد.

منجم، ۱۴۰۸: ۷۴). پس از فتح، جمعیت عمدتاً شامل اشراف ایرانی و عرب‌های قبیله آزد بود (همان). مرو در دوران بنی امیه و عباسی مقر والیان خراسان و مرکز اداره نواحی شرقی خلافت بود (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۹۹) و با آغاز قرن سوم هجری، مأمون عباسی آن را به پایتخت خلافت خود تبدیل کرد (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۳۸۲، ۳۸۳؛ مقدسی، بی تا: ج ۶: ۱۰۷). این شهر به دلیل کتابخانه‌ها و مراکز علمی اش شهرت داشت (Gutas, 1998: 58) اما با حمله مغولان تخریب شد و شکوه گذشته خود را از دست داد (بارتولد، ۱۳۵۸: ۸۰).

اقامت امام رضا علیه السلام در مرو نتیجه فشار سیاسی مأمون بود و نه انتخاب شخصی یا ترجیح دینی؛ امام از ترک مدینه ناخشنود بودند و مخالفت خود را با پذیرش ولایت عهدی اعلام کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲: ۱۴۹؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۷۲؛ ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۷)؛ با این حال، امام حضور تحمیل شده در مرو را به فرصتی برای تبیین اصول امامت، عقلانیت دینی و مواجهه فکری با فرق و ادیان مختلف تبدیل کردند و در مناظرات دربار مأمون، با عقل و احتجاج از معارف اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام دفاع کردند.

بنابراین، موقعیت جغرافیایی و ساختار فرهنگی مرو را نمی‌توان علت مستقل یا تعیین‌کننده در شکل‌گیری گفتمان دینی امام رضا علیه السلام دانست، بلکه باید آن را بستری دانست که امام با حضور خود آن را به یک میدان تأثیرگذار فرهنگی و معرفتی بدل ساختند؛ در واقع، امام معصوم تابع بستر نیست، بلکه بستر را در راستای رسالت الهی خود به کار می‌گیرد.

۴. مهم‌ترین آثار فرهنگی حضور امام رضا علیه السلام در شهر مرو

اقامت اجباری امام رضا علیه السلام در شهر مرو، هرچند در مدتی حدود دو سال انجام شد، اما به لحاظ گستره فعالیت‌های علمی، فرهنگی و کلامی، نقطه عطفی در سیره اجتماعی آن حضرت به شمار می‌رود. اگرچه ابتکار این حضور با اهداف سیاسی مأمون صورت گرفت، اما امام علیه السلام با بهره‌گیری از موقعیت خاص شهر و زمینه‌های موجود در خراسان، فضای غالب را به بستری برای تبیین آموزه‌های توحیدی، امامت و عقلانیت دینی تبدیل کردند. این مقطع، نه نتیجه همراهی دستگاه خلافت، بلکه جلوه‌ای از مدیریت حکیمانه امام در شرایط تحمیلی و پیچیده سیاسی بود؛ دوره‌ای که زمینه‌ساز ظهور گفتمانی فعال، پاسخ‌گو و گفت‌وگومحور

از سوی امام شد. در ادامه، مهم‌ترین جلوه‌های این گفتمان فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. گفت‌وگوها و مناظرات دینی امام رضا در مرو

یکی از جلوه‌های برجسته حضور امام رضا در مرو، مشارکت فعال و هدفمند ایشان در مناظرات علمی، کلامی و بین‌الادیانی بود. این مناظرات تنها دفاع از کیان شیعه نبود، بلکه بخشی از گفتمان‌های فکری و معرفتی مرتبط با تحولات فرهنگی - دینی دوران مأمون را شکل می‌داد و عقلانیت، بلاغت و جامعیت فکری امام را نشان می‌داد (شاهرخی، ۱۴۰۱: ۱۵، ۱۶). آن دوران با حضور جریان‌های اسلامی متعدد، ادیان غیر اسلامی و حتی مکاتب الحادی مانند زنادقه و دهریه مملو بود و امام با درک این بستر پیچیده، مناظرات خود را سامان داد.

در اندیشه شیعی، شاخصه بنیادین امامت، علم لدنی و برتری علمی امام بر دیگران است تا توان پاسخ‌گویی به شبهات و هدایت علمی و معنوی امت را داشته باشد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۰۱؛ طوسی، ۱۳۸۲: ج ۲: ۸). در امام رضا این جایگاه با لقب «عالم آل محمد» تجلی یافته و حتی مخالفان نیز بدان اذعان دارند (طبرسی، بی‌تا: ۳۲۸).

امام در مواجهه با ادیان و مکاتب، گفت‌وگو را بر پایه عقلانیت، بلاغت و ادب دنبال می‌کرد و به آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵) و روایت «يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۰۰) استناد داشت.

اوج این الگوی گفت‌وگویی در مناظرات امام با یهود، نصارا، مجوس، صابئین و رهبران مکاتب اسلامی همچون اهل حدیث، معتزله و مرجئه قابل مشاهده است و محتوای آن‌ها در منابع حدیثی و تاریخی مانند «مجالس الرضا مع أهل الأديان» و «مناظرات علی بن موسی الرضا» ثبت شده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷، ۵۷؛ خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۱: ۴۶، ۴۷).

زمینه سیاسی این مناظرات نیز اهمیت داشت؛ در منابع شیعی، انگیزه مأمون را در برگزاری این جلسات، کوششی برای کاستن از جایگاه علمی امام، تحت نظر گرفتن ایشان و

مهاری نفوذ اجتماعی آن حضرت دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۹: ۲۹۰؛ صادقیان، ۱۳۸۸: ۷۶).

سخن محمد بن جعفر (دیباچ)، عموی امام رضا علیه السلام که پس از مشاهده یکی از مناظرات آن حضرت علیه السلام به مأمون گفت: «تاکنون او را با هیچ عالمی در مناظره ندیده بودم»، نشان می‌دهد که چنین مواجهاتی در مدینه یا کمتر رخ داده یا کمتر دیده شده بود؛ از این رو، این بعد از شخصیت امام رضا علیه السلام در مرو و خراسان بیش از پیش آشکار گردید (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۰۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۳۱).

در ادامه، دو بخش تفصیلی به بررسی محتوای مناظرات امام رضا علیه السلام با مسلمانان و غیرمسلمانان اختصاص دارد که نمایانگر تلاش ایشان در صیانت از کیان اعتقادی مسلمانان و گسترش عقلانیت شیعی است.

۴-۱-۱. مناظرات درون‌دینی امام رضا علیه السلام و تأثیرات علمی آن در مرو

یکی از برجسته‌ترین عرصه‌های فعالیت فکری و فرهنگی امام رضا علیه السلام در دوره اقامت در شهر مرو، مناظرات درون‌دینی ایشان با متکلمان، محدثان، فقها و اندیشمندان مسلمان از فرقه‌ها و نحله‌های مختلف اسلامی بود. امام رضا علیه السلام در این گفت‌وگوها، ضمن پاسخ به شبهات و چالش‌های معرفتی، به تبیین اندیشه‌های اصیل اسلامی و دفاع از آموزه‌های شیعی پرداخت. یکی از انگیزه‌های برگزاری مناظرات علمی میان امام رضا علیه السلام و علمای مسلمان در مرو، سوءاستفاده سیاسی مأمون بود. او که در فضای پرتنش خلافت عباسی نیازمند مشروعیت دینی بود و در پی آن بود تا با به چالش کشیدن علمی امام رضا علیه السلام در حضور عالمان برجسته مذاهب اسلامی، از نفوذ اجتماعی ایشان بکاهد؛ اما برخلاف انتظار مأمون، این مناظرات در عمل به ابزاری برای اثبات تفوق علمی امام و برجسته‌سازی جایگاه معرفتی شیعه تبدیل شد. روایت اباصلت هروی نشان می‌دهد مأمون از پیروزی‌های پی‌درپی امام در این مناظرات احساس تهدید می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۹: ۲۹۰).

مناظرات درون‌دینی امام رضا علیه السلام با عالمان مسلمان، موضوعات گسترده‌ای را در برمی‌گرفت و دامنه آن از مباحث الهیاتی و صفات الهی تا مسائلی همچون امامت، جایگاه

پیامبران و تفسیر آیات قرآن گسترش می‌یافت. یکی از نمونه‌های برجسته این مناظرات، گفت‌وگوی امام با «ابوقره» از سران مکتب اهل حدیث است. ابوقره در این مناظره بر ظاهرگرایی در تفسیر آیات متشابه قرآن و روایات استناد داشت و به اثبات رؤیت خداوند و جسمانیت او گرایش داشت. امام رضا^{علیه السلام} در پاسخ، ضمن تمسک به عقل، قرآن و سنت صحیح، به رد رؤیت الهی پرداخت و با استدلالی روشن، مفاهیم متشابه قرآنی مانند «استواء» و «وجه الله» را در چارچوب تنزیه و توحید تفسیر کرد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۳۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۵۱).

در مناظره دیگری با «یحیی بن ضحاک سمرقندی»، امام رضا^{علیه السلام} به تبیین جایگاه امامت پرداخت. این مناظره که در حضور مأمون و جمعی از علما انجام شد، فرصتی برای ارائه قرائت شیعی از مفهوم امامت بود. امام با استناد به عقل، نقل و تاریخ پیامبران الهی، نشان داد که امام باید منصوب از سوی خدا و دارای علم الهی باشد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۵۱).

همچنین گفت‌وگوی دنباله‌دار امام با «سلیمان مروزی»، متکلم برجسته معتزلی، درباره صفات خداوند از دیگر مناظرات مهم امام است. در این مناظره، سلیمان کوشید با استناد به مبانی عقل‌گرایانه، صفات الهی را تأویل برده و از ثبوت برخی صفات خبری اجتناب کند. امام رضا^{علیه السلام} در پاسخ، با بهره‌گیری از منطق کلامی و زبان قرآن، تصویری متعادل از صفات الهی ارائه کرد به این معنا که از یک‌سو از تشبیه (تشبیه خداوند به مخلوقات) پرهیز داشت و از سوی دیگر به تعطیل (انکار صفات الهی) نیز نمی‌انجامید، بلکه به اثبات صفات اثبات شده در قرآن همچون علم، قدرت و اراده با حفظ تنزیه و توحید می‌انجامید (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۹۰-۱۷۹).

از دیگر موارد، مناظره‌ای است که در آن گروهی از علمای عراق و خراسان در حضور مأمون در شهر مرو گرد آمدند و به امام سؤالاتی در باب آیات قرآن عرضه کردند. امام رضا^{علیه السلام} با تسلطی کامل بر معارف قرآنی، پاسخ‌هایی دقیق و مبتنی بر سیاق و انسجام متنی قرآن ارائه کرد (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۲۲، ۵۳۳).

آنچه این مناظرات را از سایر تعاملات علمی متمایز می‌سازد، روش‌شناسی خاص امام در مواجهه با مخاطب است. ایشان با رعایت آداب گفت‌وگو، تواضع، شکیبایی و اتقان در استدلال، گفتمانی از نوع «دعوت بالحکمه» را محقق می‌ساخت؛ اصطلاحی قرآنی که به معنای دعوت مخاطب با استدلال حکیمانه و سنجیده است (نحل: ۱۲۵). آن حضرت علیه السلام، در مواجهه با محدثان ظاهرگرا، متکلمان عقل‌محور و فقیهان اهل قیاس، شیوه‌ای متوازن از تأویل، عقلانیت و استناد به سنت ارائه کرد که الگویی برای گفت‌وگوهای دینی در دوره‌های بعد شد. منظور از این تعبیر، مواجهه با متون دینی به گونه‌ای است که هم به ظاهر الفاظ توجه دارد و هم به لوازم عقلی و معنایی آن‌ها. برای نمونه، در پاسخ به ابوقره که «استواء علی العرش» را به معنای نشستن خداوند بر عرش تفسیر کرده بود، امام فرمود: «کسی که مکان برای خداوند قائل شود، او را محدود ساخته و با مخلوقات سنجیده است؛ درحالی که خداوند خالق مکان است و برتر از آن‌که در مکان گنجیده شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۳۱).

مناظرات درون‌دینی امام رضا علیه السلام در مرو، فراتر از گفت‌وگوهای علمی، موجب نهادینه‌سازی گفتمان معرفتی اهل بیت علیهم السلام در فضای رسمی علمی جهان اسلام شد. این مناظرات هم آموزه‌های شیعی را تبیین کرد و هم عقلانیت کلامی اسلامی، روش استدلالی در فهم دین و جایگاه علمی اهل بیت علیهم السلام را تقویت نمود. برخلاف هدف مأمون، این مجالس اقتدار علمی و اجتماعی امام را نزد خواص و عوام افزایش داد و شیعه را به عنوان مکتبی منسجم، مستدل و روشمند در میان دیگر جریان‌های فکری اسلامی معرفی کرد، فرصتی که پیش از آن تنها به صورت محدود در سیره امامان پیشین وجود داشت.

۴-۱-۲. مناظرات بین‌الادیانی امام رضا علیه السلام و برکات فرهنگی آن در مرو

یکی از مهم‌ترین جلوه‌ها حضور امام رضا علیه السلام، مشارکت گسترده آن حضرت در مناظرات بین‌الادیانی است؛ مناظراتی که در چارچوب فرهنگ دینی منطقه، بستر مناسبی برای تقابل گفتمان‌های کلامی فراهم ساخت و به تبیین و ترویج عقلانیت دینی اسلامی یاری رساند. این مناظرات، با پیروان ادیان مختلف مانند یهودیت، مسیحیت، زرتشتی‌گری، بودایی، صابئین و حتی جریان‌های الحادی نظیر دهریه و زنادقه صورت گرفت.

منطقه خراسان، به‌ویژه نواحی شرقی آن مانند شهر مرو، از دیرباز خاستگاه تنوع قومی و دینی قابل توجهی بوده است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در این نواحی، برخلاف بخش‌هایی از قلمرو ساسانیان که زیر سلطه نظام دینی انحصارطلب زرتشتی قرار داشتند، بستر مناسبی برای همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان گوناگون فراهم شده بود؛ همین امر سبب شد که پیروان ادیان ابراهیمی همچون یهودیت و مسیحیت، آیین‌های ایرانی مانند مانویت و مزدکیت و حتی آیین‌های شرقی نظیر بودیسم، بتوانند با آزادی نسبی در این منطقه زیست کنند و به ترویج تعالیم خود پردازند (شرفایی؛ اکبری چناری، ۱۳۹۷: ۴۶، ۴۷). این بافت چندفرهنگی و چنددینی، شرایطی خاص برای گفت‌وگوی ادیانی فراهم می‌کرد که امام رضا^{علیه السلام} از آن به‌خوبی بهره بردند.

امام رضا^{علیه السلام} با بهره‌گیری از روش «جدال احسن» که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد (نحل: ۱۲۵)^۱، در مناظرات خود کوشیدند تا با زبان مورد پذیرش مخاطب و با استناد به منابع پذیرفته‌شده از سوی آنان، به نقد دیدگاه‌ها و اثبات آموزه‌های اسلامی بپردازند.

در مناظره با جاثلیق^۲، پیشوای مسیحیان، امام با استناد به آیات و مفاهیم انجیل، آموزه الوهیت حضرت عیسی^{علیه السلام} را به چالش کشیده و آن را با اعمال پیامبرانی چون الیسع و حزقیال که آنان نیز شفا می‌دادند یا مردگان را زنده می‌کردند، مقایسه نمودند؛ همچنین به نمازخواندن و روزه گرفتن عیسی^{علیه السلام} اشاره کردند که با مفهوم الوهیت ناسازگار است. در مناظره ای دیگر، امام به بشارت انجیل درباره پیامبر اسلام^{صلی الله علیه و آله} اشاره کرده و نشان دادند که این بشارت‌ها همچنان در متون مقدس مسیحی قابل پی‌جویی است (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶۲).

با رأس الجالوت^۳، رهبر یهودیان، نیز مناظره‌ای عمیق درگرفت. امام با تسلط کامل بر

۱. البته روشن است که استناد امام به تورات، انجیل و زبور لزوماً به معنای پذیرش وحیانی بودن همه آموزه‌های موجود در نسخه‌های کنونی آن‌ها و عدم راه‌یابی تحریف در آن نیست (اسدی، ۱۳۸۷: ۸۵-۱۰۲).

۲. Catholicos عنوان پیشوایان مسیحیان مشرق (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۱: ۱۲۴).

۳. جالوت یا Goliath در اصل به معنای تبعیدی است (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۱: ۱۲۴) و رأس الجالوت به معنای رئیس یهودیان و سر اجبار جهودان است (دهخدا، ۱۳۲۶، ج ۴: ۵۹).

تورات، به مواردی اشاره کردند که نبوت پیامبر اسلام ﷺ در آن به صورت رمزی و گاه آشکار بیان شده است. بهره‌گیری از منابع مقدس طرف مقابل، بدون ورود به مباحث جدلی تند، نشان‌دهنده تسلط علمی و روش‌شناسی خاص امام در مواجهه با دیگر ادیان بود؛ از جمله نمونه‌های برجسته مناظرات امام رضا علیه السلام، گفت‌وگوی ایشان با عمران صابی، عالم سرشناس صابئین بود. در این مناظره که در حضور مأمون و گروهی از متکلمان برگزار شد، عمران پس از دریافت پاسخ‌های دقیق و عمیق امام به پرسش‌های توحیدی اش، به توحید و نبوت پیامبر اسلام ﷺ اقرار کرد و اسلام آورد. به نقل از منابع معتبر، وی پس از آن با استقبال امام مواجه شد و از جانب حضرت مورد بزرگداشت و حمایت مالی قرار گرفت؛ همچنین گفته شده است که او پس از مسلمان شدن، در جمع متکلمان حضور می‌یافت و با منطق قوی خود، استدلال‌های آنان را رد می‌کرد تا آنجا که برخی از آنان از مناظره با وی کناره گرفتند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰: ۳۱۸).

در میان این مناظرات، گفت‌وگوی ایشان با هرید اکبر^۱ جایگاهی خاص دارد؛ مناظره‌ای که باهدف اثبات نبوت پیامبران الهی و در چارچوب استدلال پذیرفته‌شده نزد زرتشتیان صورت گرفت. امام رضا علیه السلام با بهره‌گیری از روش گفت‌وگوی مقایسه‌ای و با استناد به همان دلیلی که هیرید برای پذیرش نبوت زرتشت ارائه کرد - یعنی اخبار متواتر و تحولات شریعتی منحصر به فرد - بر پیامبری دیگر ادیان ابراهیمی نیز استدلال کردند و نشان دادند که اگر این معیار پذیرفته شود، دلیلی برای انکار پیامبران دیگر باقی نمی‌ماند. هیرید که در برابر این استدلال منطقی پاسخی نیافت، بحث را پایان داد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰: ۳۱۰). این مناظره، افزون بر جنبه معرفتی، از حیث تمدنی نیز اهمیت داشت؛ زیرا در سرزمینی مانند مرو که زرتشتی‌گری در لایه‌های فرهنگی و تاریخی آن

۱. بلندپایه‌ترین روحانی زرتشتی. هیرید معرب هرید به معنای خادم آتش است (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۱۷۹). گرچه برخی معتقدند هیرید کلمه‌ای مرکب است که بخش نخست، به معنای «آموزش و تعلیم» و بخش دوم به معنای «رئیس و سرور» است (حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۴: ۲۹۲۵) و دلیل به وجود آمدن معنای خادم و خدمتکار آشکده به این دلیل است که یکی از وظایف هیربدان، حفظ آتش مقدس بوده و «هیر» به معنای آتش، یک اشتقاق عامیانه است (همان، ۲۹۲۶).

ریشه دار بود، چنین مواجهه ای عقلانی و آرام با دین بومی، زمینه ای برای بازاندیشی در آموزه های کهن و پذیرش گفتمان توحیدی اسلام فراهم ساخت. از این منظر، مناظره با هر بدم را می توان نمونه ای از تلاش امام رضا علیه السلام در جهت تبیین عقل مدار و تدریجی آموزه های اسلامی در بستری متکثر و حساس همچون خراسان دانست.

مناظرات امام منحصر به اهل کتاب نبود، بلکه شامل زندافقه و دهریون نیز می شد. امام در پاسخ به یکی از زندیقان که خواهان برهان بر وجود خدا بود، با اشاره ای ظریف به برهان نظم، استدلالی فطری و قابل فهم برای عموم ارائه دادند. ایشان با تأمل در ساختار بدن انسان، حرکت افلاک، پدید آمدن ابرها، وزش بادهای و نظام شگفت انگیز آفرینش، بر وجود خالق حکیم تأکید کردند. این پاسخ نه تنها بعد فلسفی داشت، بلکه مخاطب را به تأمل در تجربه زیسته و واقعیت های قابل لمس ارجاع می داد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۷۸، ۷۹).

تحلیل جامعه شناختی مناظرات امام رضا علیه السلام نشان می دهد که آن حضرت در فضای چنددینی خراسان، با بهره گیری از گفت و گوی دینی سنجیده و استدلال محور، به تبیین آموزه های توحیدی اسلام پرداختند. این مناظرات ضمن ارتقای شناخت پیروان ادیان دیگر از اسلام، به تثبیت جایگاه معرفتی آن در عرصه فرهنگی آن روز انجامید. رویکرد امام، تلفیقی از عقلانیت کلامی و استناد نقلی بود؛ به گونه ای که در مواجهه با اهل کتاب از منابع مورد قبول آنان و در گفت و گو با منکران از براهین عقلی و شواهد تجربی بهره می گرفتند. این روش، بیانگر مخاطب شناسی دقیق و عقلانیت ارتباطی در سیره مناظراتی امام است؛ الگویی که فراتر از پاسخ به شبهات، نمونه ای از جدال احسن قرآنی (نحل: ۱۲۵) در تبیین معقول دین به شمار می آید.

۴-۲. تبیین مفهوم امامت در گفتمان فرهنگی مرو

حضور امام رضا علیه السلام در خراسان نقطه عطفی در تبیین نظام مند و فراگیر آموزه امامت به شمار می آید. برخلاف ادوار پیشین که تبیین این آموزه در چارچوب های محدود شیعی و تحت فشارهای سیاسی صورت می گرفت، فضای علمی و چندفرهنگی مرو زمینه ای گسترده برای بیان صریح تر معارف امامیه فراهم ساخت. امام رضا علیه السلام با بهره گیری از فرصت تحمیلی ولایت عهدی، در مناظرات و مجالس علمی به بازنمایی ابعاد معرفتی، سیاسی و اجتماعی

امامت پرداختند و آن را به عنوان محور هویت دینی و رهبری الهی در گفتمان عمومی عصر عباسی مطرح کردند. این رویکرد، جلوه‌ای از ابتکار علمی امام در تبدیل موقعیت سیاسی به مجالی برای گسترش عقلانی و فرهنگی اندیشه امامیه بود.

از مهم‌ترین جلوه‌های این تبیین، خطبه مفصل آن حضرت درباره جایگاه امامت است. در این خطبه، امام علیه السلام با استناد به آیه ۱۲۴ سوره بقره، ماهیت الهی و مشروط امامت را تبیین کرده و آن را عهدی الهی ویژه بندگان شایسته و معصوم معرفی نمودند: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي، قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴).

ایشان تصریح کردند که امامت تنها پس از عبور از مراحل نبوت، رسالت و خلت (دوستی خالص با خدا) به حضرت ابراهیم علیه السلام اعطا شد و بدین‌سان، امامت را مقامی مافوق نبوت معرفی کردند که بر پایه عصمت و طهارت نفسانی در تمام طول حیات استوار است. در ادامه، حضرت با توصیف نقش‌ها و کارکردهای امام در اقامه دین، حفظ وحدت، هدایت علمی و صیانت از شریعت، جایگاه امام را به مثابه محور قوام امت اسلامی تبیین کردند. عباراتی همچون «الإمام زمام الدِّين و نظام المسلمین» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۹۹) بیانگر آن است که از منظر ایشان، امامت صرفاً یک جایگاه معنوی نیست، بلکه نهادی حیاتی در استمرار حیات دینی و اجتماعی امت اسلام به شمار می‌رود.

در مناظرات متعدد علمی نیز، امام رضا علیه السلام بر ملاک‌های معرفتی شناخت امام تأکید کردند. در پاسخ به پرسش مأمون درباره راه شناخت امام، فرمودند: «يُعْرَفُ الْإِمَامُ بِالنَّصِّ وَ الدَّلِيلِ» و در ادامه، ویژگی‌هایی چون عصمت، علم ویژه، دعای مستجاب و کرامات را برشمردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۰۰). این تبیین، نگاه شیعه به امامت را به عنوان منصبی انتصابی و الهی و نه انتخابی یا سیاسی، بازگو می‌کند؛ منصبی که خداوند با معیارهایی خاص و بر اساس نص صریح، به افراد برگزیده‌ای از اهل بیت علیهم السلام واگذار می‌کند.

شایان توجه آن‌که گرچه امام رضا علیه السلام پیش از ورود به مرو نیز در مدینه به تبیین آموزه امامت می‌پرداختند، اما فضای مرو - با همه تحمیل‌ها و نیرنگ‌های سیاسی مأمون - به فرصتی تبدیل شد که امام با درایتی که خاص امامت است، آن را به صحنه‌ای برای بیان

حقیقت امامت بدل ساختند. در منابع، هشدارهای اصحاب امام نسبت به پیامدهای پذیرش ولایتعهدی آمده است (کلینی، ج ۸: ۲۵۷، ۲۵۸؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۵۵)، اما آن حضرت با بهره‌گیری سنجیده از شرایط موجود، صدای گفتمان برتر شیعی را از هر جهت در میان نخبگان علمی، متکلمان ادیان و حتی عامه مردم اثبات نمود.

۴-۳. تبیین صحیح زهد و مواجهه انتقادی امام رضا با جریان تصوف در مرو

یکی از عرصه‌های مهم فعالیت فرهنگی و اصلاحی امام رضا در شهر مرو، تبیین دقیق و اعتدالی از مفهوم زهد و مرزبندی روش مند با جریان نوپدید تصوف بود. شواهد نشان می‌دهد که در دوره حضور آن حضرت در خراسان، گرایش‌های زاهدانه با برداشت‌هایی افراطی از پارسایی و دنیاگریزی در میان برخی گروه‌های صوفی رایج شده بود. این نحله‌ها، زهد را به معنای ترک کامل دنیا، انزوا، پوشیدن لباس‌های خشن و ترک رفاه تعبیر می‌کردند و نسبت به هرگونه مشارکت اجتماعی یا بهره‌مندی از نعمت‌های مباح الهی، دیدگاهی منفی داشتند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۸۲۹).

واکنش امام رضا به این جریان، برخاسته از رویکرد اعتدالی اسلام و بر پایه آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبران بود. در یکی از مواجهه‌های مهم، گروهی از صوفیان خراسانی به محضر امام رسیدند و با لحنی اعتراضی گفتند: «امیرالمؤمنین مأمون با توجه به آنچه خداوند به او سپرده، نظر افکند و اهل بیت را شایسته‌ترین افراد برای پیشوایی مردم دید و در میان آنان، تو را برتر یافت؛ از این رو تصمیم گرفت این امر را به تو واگذارد. حال آن‌که این شأن تنها در خور کسی است که غذای زبر بخورد، پشم بپوشد، بر الاغ سوار شود و به عیادت بیماران رود؛ در حالی که تو لباس فاخر پوشیده‌ای». امام در پاسخ، با استناد به سیره حضرت یوسف، بر این نکته تأکید کردند که برخورداری از ظواهر دنیوی، در تعارض با حقیقت امامت و عدالت محوری نیست. سپس با تلاوت آیه شریفه: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف: ۳۲)، بر مشروعیت استفاده از نعمات الهی تأکید کردند

۱. ای پیامبر بگو: «زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟»

و فرمودند: «خداوند، لباس و غذا را حرام نکرده است؛ از امام انتظار می رود که عادل، راست گو و وفادار به وعده باشد، نه اینکه فقیرنمایی کند» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۸۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۹: ۲۷۵، ۲۷۶).

از نگاه امام رضا^{علیه السلام}، زهد نه به معنای ترک دنیا، بلکه در بهره‌برداری مسئولانه از آن و عدم وابستگی قلبی به مظاهر فریبنده آن تعریف می‌شود. این معنا، نه تنها با حضور اجتماعی، مدیریت و حتی پذیرش مسئولیت‌های حکومتی تعارضی ندارد، بلکه آن را در خدمت فضیلت‌های معنوی قرار می‌دهد؛ به همین جهت، در برابر کسانی که پذیرش ولایت عهدی از سوی مأمون را مخالف با زهد تلقی می‌کردند، حضرت ضمن تأکید بر اجبار در پذیرش این مقام، با تمثیل به سیره حضرت یوسف^{علیه السلام} که خزانه داری عزیز مصر را برعهده گرفت، مشروعیت چنین اقدامی را تبیین کردند (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۷۲؛ بی تا، ج ۱: ۲۳۹؛ فتال نیشابوری، بی تا، ج ۱: ۲۲۴).

روایات متعددی نیز گواه آن اند که حتی برخی اطرافیان مأمون، نسبت به سبک زندگی امام حساسیت نشان می‌دادند. برای نمونه، گزارش شده است که هنگامی که امام دستور تهیه مُشک‌هایی به ارزش ۷۰۰ درهم دادند، فضل بن سهل، وزیر مأمون، طی نامه‌ای به امام، هشدار داد که ممکن است مردم زبان به طعن گشایند. حضرت در پاسخ، بار دیگر به حضرت یوسف^{علیه السلام} اشاره کردند که لباس زرین و تخت پادشاهی او، هیچ خدشه‌ای به مقام نبوتش وارد نساخت؛ چنان‌که سلیمان نبی^{علیه السلام} نیز با وجود تجملات بسیار، از شأن و حکمتش کاسته نشد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۲۱، ۴۲۲).

با این حال، منابع شیعی تصویری چند بعدی از زندگی شخصی امام رضا^{علیه السلام} ارائه داده‌اند که از یک سو حکایت از زهد، عبادت‌های طولانی و ساده‌زیستی ایشان دارد و از سوی دیگر، جلوه‌هایی از آراستگی و آداب اجتماعی در حضور عمومی را نیز نشان می‌دهد. در شماری از این روایات، از تهجدهای شبانه، روزه‌داری‌های مداوم، پوشیدن لباس‌های زبر، نشستن بر حصیر در تابستان و پلاس در زمستان سخن رفته است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۱۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۶۰). در نگاه نخست، ممکن است میان این جلوه‌های

زاهدانه و برخی گزارش‌ها درباره بهره‌مندی امام از پوشش‌های آراسته یا خوراک مناسب نوعی تعارض به نظر آید؛ اما کلید فهم این دوگانه را می‌توان در عبارتی از برخی روایات یافت که می‌گوید: «حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنَ لَهُمْ»؛ یعنی امام در خلوت خود ساده‌زیست و اهل ریاضت بود، اما هنگام حضور در میان مردم، برای حفظ شأن امامت، رعایت آداب اجتماعی و جلب قلوب، ظاهر خود را آراسته و متناسب با موقعیت اجتماعی می‌ساخت (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۷۸؛ طبرسی، بی‌تا: ۳۲۸). این سلوک نه نشانه دوگانگی، بلکه نمود نوعی حکمت عملی در جمع میان زهد فردی و مسئولیت اجتماعی بود.

این رویه در سیره سایر ائمه نیز مشاهده می‌شود. برای نمونه، در روایتی آمده است که سفیان ثوری، امام صادق علیه السلام را با لباس گران‌قیمتی در مسجدالحرام مشاهده کرد و با نیت امر به معروف به ایشان اعتراض نمود. امام صادق علیه السلام ضمن استناد به قرآن، لباس رویی را بالا زدند و جامه زبر و خشن زیر آن را به او نشان دادند و فرمودند: «این لباس را برای خود پوشیده‌ام» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۴۴۲).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که امام رضا علیه السلام در نقد تصوف رایج، با تکیه بر آموزه‌های اصیل دینی و سیره انبیا، به بازتعریف مفهومی زهد پرداختند. این رویکرد، به جای تقابل قهرآمیز، بر اصلاح تفسیری و تربیتی زهد استوار بود و نقش مهمی در تعدیل گرایش‌های افراطی و تقویت گفتمان عقل‌مدار دینی در خراسان ایفا کرد.

۴-۴. حضور علمی در عرصه‌هایی چون طب و سبک زندگی

از جلوه‌های مهم نقش علمی و اجتماعی امام رضا علیه السلام در خراسان، مشارکت فعال ایشان در مباحث طب، بهداشت و سبک زندگی است. این رویکرد در امتداد سیره پیشوایان دین قرار دارد؛ چنان‌که در روایات، دانش طب در کنار علم دین از علوم اصلی دانسته شده است (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۲۰۸؛ کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۰۹)، همچنین امامان علیهم السلام در منابع حدیثی به‌عنوان «بهترین طبیبان» معرفی شده‌اند (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۸۱)؛ براین اساس، شیعیان نه‌تنها در امور معنوی، بلکه در درمان بیماری‌های جسمی نیز به آنان رجوع می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹: ۱۴۳).

توسعه دانش پزشکی در دوره حضور امام رضا^{علیه السلام} در مرو، با رونق ترجمه آثار طبی از یونانی و سریانی به عربی همراه بود. مورخان ریشه این تحول را به دوران پیش از بنی عباس و به ویژه عصر بنی امیه نسبت می دهند (هاشم، ۱۹۶۰: ۱۳۳). از جمله نخستین آثار ترجمه شده، کتاب «کناش» اثر آهرن^۱ کشیش اسکندرانی بود که ماسرجویه^۲ آن را به زبان عربی برگرداند (جمیلی، ۱۳۸۵: ۴۱؛ ابن ابی اصیبعه، بی تا: ۲۳۲). در این دوره همچنین کتاب های مستقلی در حوزه طب به نگارش درآمدند. یوحنا بن ماسویه که از شخصیت های سرشناس طبی آن دوره و از حاضران در جلسات علمی در محضر امام رضا^{علیه السلام} بود (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۹: ۳۰۷)، آثار متعددی از جمله قوی الأطعمه و منافعها و مضارها، قوی العقاقیر و منافعها و مضارها (ابن ندیم، بی تا: ۳۵۵) و کتابی در چشم پزشکی (کحاله، بی تا، ج ۸: ۱۶۷) تألیف کرد.

در چنین فضایی، تألیف «رساله طب الرضا»^۳ منتسب به امام رضا^{علیه السلام} را می توان در پاسخ به نیاز فرهنگی و علمی جامعه و نیز در تعامل فعال با فضای علمی مرو دانست (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۹۹). این رساله در منابع روایی شیعه با عنوان «طب الرضا» یا «الرسالة الذهبية» شناخته می شود. بر اساس مقدمه رساله، محتوای آن شامل مباحثی درباره غذاها و نوشیدنی های مفید، اصول تغذیه، فصد، حجامت، بهداشت دهان و دندان، استحمام و سایر عواملی است که موجب تقویت جسم و پیشگیری از بیماری ها می شود (طب الرضا، ۱۴۰۲: ۹).

بر پایه گزارش منابع، در یکی از مجالس علمی که مأمون در نیشابور ترتیب داده بود، جمعی از پزشکان همچون یوحنا بن ماسویه، جبرائیل بن بُختیشوع^۴ و صالح بن بلهه هندی حضور داشتند. در این جلسه درباره طبع های چهارگانه، تأثیر غذاها، سلامت جسم و

1. Ahrun.

2. Masargawayh.

۳. به دلیل آنکه مأمون دستور داد این اثر را با آب طلا بنویسند، به «الرسالة الذهبية» یا «الرسالة الذهبية» نیز مشهور است (امین، ۱۴۰۳، ج ۱۲: ۲۶؛ حسینی جلالی، ۱۴۱۸: ۱۸۷).

۴. تلفظ فارسی این نام Buxt-Isu، به معنی نجات یافته حضرت عیسی^{علیه السلام} است. این خاندان از عیسویان نستوری ایران اند که در عصر اول عباسی ریاست جندی شاپور را به عهده داشتند.

علل بیماری‌ها بحث و گفت‌وگو درگرفت (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۹: ۳۰۷). امام رضا علیه السلام ابتدا در سکوت نظاره‌گر بحث‌ها بودند تا آنکه مأمون از ایشان نظر خواست^۱. امام فرمودند آنچه در این زمینه دارند، حاصل تجربه، آزمون مکرر و همچنین آموزه‌هایی است که از گذشتگان آموخته‌اند و دانستش برای انسان لازم است. سپس افزودند که آن مطالب را گردآوری خواهند کرد و بر آنچه نیازمند شناخت است، خواهند افزود. مأمون که عازم بلخ شده بود، طی نامه‌ای از امام خواست آنچه را وعده داده بودند، برای او بنویسند (همان).

با آنکه انتساب قطعی این اثر به امام رضا علیه السلام در میان پژوهشگران مورد اختلاف است، بسیاری از عالمان شیعه، به‌ویژه در قرون میانه، این انتساب را پذیرفته‌اند (فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۱۶۰؛ قرشی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۹۹-۲۰۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۴۶، ۴۷). در مقابل، برخی از محققان معاصر با تکیه بر دلایلی از جمله سبک نگارش، ساختار متنی و ضعف سند، در انتساب آن تشکیک کرده‌اند (طباطبایی؛ نصیری، ۱۳۹۱: ۳-۲۱).

به‌طورکلی، حضور علمی امام رضا علیه السلام در حوزه‌های طب، سلامت و سبک زندگی، بیانگر نگرش جامع دین به ابعاد مادی و معنوی انسان است. آموزه‌های ایشان درباره بهداشت و تغذیه، جلوه‌ای از اهتمام معصومان علیهم السلام به ارتقای کیفیت زندگی مؤمنانه و بخشی از منظومه فرهنگی و دینی امام در دوره خراسان محسوب می‌شود.

۵. پیامدها و نتایج حضور فرهنگی و دینی امام رضا علیه السلام در مرو

گفتمان فرهنگی و دینی امام رضا علیه السلام در خراسان، به‌ویژه در شهر مرو، فراتر از یک حضور صرف سیاسی یا مذهبی، به فرایندی اثرگذار در تحکیم و گسترش مذهب تشیع انجامید. این گفتمان که بر پایه کنش‌های علمی، کلامی، اجتماعی و تعامل با لایه‌های گوناگون جامعه شکل گرفت، پیامدهایی عمیق و ماندگار در فضای فکری و مذهبی شرق جهان اسلام به‌جای گذاشت.

خراسان در آغاز قرن سوم هجری، به‌ویژه شهرهایی مانند نیشابور و مرو، از نظر فرهنگی،

۱. برخی این روایت را قابل اعتماد ندانسته‌اند چون در منابع معتبر از سفر امام با مأمون به نیشابور سخنی به میان نیآورده‌اند (ناجی، ۱۳۸۷: ۸۸).

اجتماعی و مذهبی جایگاهی ویژه در جغرافیای جهان اسلام داشت. گزارش‌های تاریخی حاکی از حضور گسترده اقوام مختلف ایرانی، عرب، ترک و نیز پیروان مذاهب و فرق گوناگون در این منطقه است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۸: ۵۲۰؛ یعقوبی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۴۲۹).

اقامت امام رضا علیه السلام در منطقه خراسان، بستری فراهم ساخت تا مردم این ناحیه از نزدیک با شخصیت علمی، اخلاقی و معنوی اهل بیت علیهم السلام آشنا شوند. استقبال پرشور مردم نیشابور و مرو در مسیر حرکت آن حضرت، به ویژه روایت حدیث سلسله الذهب و اجتماع عظیم مردم نیشابور برای شنیدن این حدیث، نمایانگر ظرفیت فرهنگی و اعتقادی خراسان در پذیرش آموزه‌های تشیع است (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۵)؛ (برای تحلیل گفتمانی این روایت، میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۵، ۱۸۴). این استقبال البته منحصر به خراسان نبود، اما مأمون با درک این ظرفیت اجتماعی، مسیر حرکت امام را چنان طراحی کرد که ایشان از شهرهای مهمی مانند نیشابور و مرو عبور کند که هم مشروعیت خویش را نزد مردمی که گرایش علوی داشتند تقویت کند و هم از سرمایه معنوی امام بهره‌برداری سیاسی نماید (طبری، ۱۳۸۷، ج ۸: ۵۵۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۴۳۱؛ دهقان‌پور، ۱۴۰۲: ۱۲۱). در واقع، حضور امام در این مناطق به عرصه‌ای برای تقابل نرم میان گفتمان خلافت عباسی و آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام تبدیل شد؛ تقابلی که با بهره‌گیری امام رضا علیه السلام از فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود، به تقویت گفتمان شیعی انجامید (دهقان‌پور، ۱۴۰۲: ۱۲۲).

اعطای اجباری منصب ولایت عهدی به امام رضا علیه السلام از سوی مأمون، هرچند در راستای اهداف سیاسی خلافت عباسی بود، اما به تقویت پایگاه مردمی امام در خراسان انجامید. مردم خراسان که تاکنون شناختی محدود از اهل بیت علیهم السلام داشتند، با شخصیت علمی، اخلاقی و معنوی امام رضا علیه السلام به طور ملموس آشنا شدند و محبت و گرایش آنان به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله افزون گشت (عاملی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۵۶). این فرآیند تاریخی، در درازمدت به شکل‌گیری یکی از مستحکم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی تشیع در شرق جهان اسلام منجر گردید. پس از شهادت امام رضا علیه السلام، مهاجرت علویان به خراسان و فعالیت شاگردان و راویان حدیث آن حضرت، حلقه‌های علمی شیعه را در این منطقه تقویت کرد (رمزی؛ حاجیلو،

۱۳۹۳: ۱۱، ۱۰). این بستر فرهنگی، زمینه‌ساز ظهور سلسله‌هایی همچون آل بویه، سربداران و در نهایت صفویه در قرون بعدی شد که تشیع را به مذهب رسمی ایران بدل ساختند (حسینی جلالی، ۱۴۱۸: ۳۲۱-۳۲۵).

بر این اساس، گفتمان فرهنگی و دینی امام رضا علیه السلام را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ تحولات تشیع دانست؛ گفتمانی که از دل مناسبات سیاسی عباسی برخاست، اما با بهره‌گیری از عقلانیت علمی، سعه صدر اجتماعی و حضور فعال در عرصه‌های فکری، به پایه‌گذاری هویتی ماندگار برای تشیع در خراسان انجامید. آثار این گفتمان، نه فقط در شکل‌گیری پایگاه اجتماعی شیعه، بلکه در مسیر پیدایش حکومت‌های شیعی و نهادینه‌شدن فرهنگ علوی در ایران، به روشنی قابل پیگیری است.

نتیجه‌گیری

تحلیل حضور فرهنگی و دینی امام رضا علیه السلام در مرو نشان می‌دهد که این حضور صرفاً اقامتی تحمیلی از سوی خلافت عباسی نبود، بلکه به فرصتی راهبردی برای عرضه معارف اهل بیت علیهم السلام و تبیین مبانی فکری و اعتقادی شیعه تبدیل گردید. شرایط خاص مرو و خراسان، با تنوع دینی و رونق علمی، بستر مناسبی برای این نقش‌آفرینی فراهم ساخت؛ اما آنچه به این حضور معنا و جهت بخشید، جایگاه امامت و راهبردهای کلان فکری و اعتقادی امام رضا علیه السلام بود.

فعالیت‌های متنوع آن حضرت، از جمله گفت‌وگوهای درون دینی و بین‌الادیانی، تبیین جایگاه امامت، اصلاح مفاهیم دینی نظیر زهد در برابر جریان‌های تصوف افراطی و حتی ورود به عرصه سلامت و طب، هسته‌های اصلی گفتمان فرهنگی ایشان را شکل می‌داد. این گفتمان، عقل محور، اخلاق مدار و گفت‌وگومحور بود و نه تنها به دفاع از هویت شیعی انجامید، بلکه به بازتعریف بسیاری از مفاهیم دینی در چارچوبی متعادل و انسان‌گرایانه منجر شد.

کنش‌های علمی، کلامی و اجتماعی امام نشان داد که آثار فرهنگی ایشان را نمی‌توان به سطح ابزارهای گفتمان‌سازی محدود ساخت. در واقع، آنچه به این کنش‌ها عمق و پایداری

بخشید، راهبردهای کلان فکری و اعتقادی امام رضا علیه السلام بود که گفتمان‌سازی در خدمت تحقق آن قرار می‌گرفت؛ از این رو، تأثیر فرهنگی ایشان بیش از آنکه به مناظره‌ها و گفت‌وگوها محدود باشد، در لایه‌های بنیادین اندیشه دینی و اجتماعی امت اسلامی تثبیت شد.

افزون بر این، حضور امام رضا علیه السلام در مرو نقشی تعیین‌کننده در نهادینه‌سازی گفتمان شیعی در شرق جهان اسلام ایفا کرد. تعاملات گسترده با نخبگان، استقبال عمومی از معارف اهل بیت علیهم السلام و تثبیت پایگاه علمی و اجتماعی ایشان، زمینه را برای گسترش و استحکام مکتب تشیع در خراسان فراهم آورد؛ تأثیراتی که در تداوم تاریخی خود، با مهاجرت علویان، شکل‌گیری حلقه‌های علمی و پیدایش سلسله‌های شیعی نظیر آل بویه و صفویه، به نتایج تمدنی و تاریخی انجامید.

بدین ترتیب، گفتمان فرهنگی و دینی امام رضا علیه السلام در مرو الگویی زنده از پیوند دین و عقلانیت، معنویت و زندگی و وحی و دانش ارائه داد؛ الگویی که نه تنها در زمانه خویش به بازتعریف مفاهیم دینی و تقویت هویت شیعی انجامید، بلکه در تاریخ اندیشه و فرهنگ اسلامی، منشأ تحولات پایدار و ماندگار گردید.

فهرست منابع:

قرآن کریم

آقایزگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳). الذریعه. بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم.
ابن ابی اصبغه (بی تا). عیون الانباء فی طبقات الاطباء. (کوشش، نزار رضا). بیروت، دارمکتبه الحیاه.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۷ ش). التوحید. قم، جامعه مدرسین.

_____ (۱۳۶۲ ش). الأمالی. تهران، کتابخانه اسلامی.

_____ (۱۳۷۸ ق). عیون أخبار الرضا. بی جا، جهان.

_____ (۱۳۹۵ ق). کمال الدین. قم، دارالکتب الإسلامیه.

_____ (بی تا). علل الشرائع. قم، مکتبه الداوری.

ابن بسطام، عبدالله؛ حسین (۱۴۱۱). طب الاثمه. قم، طلیعه نور.

ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴). تحف العقول. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۳۷۹ ق). مناقب آل ابی طالب. قم، مؤسسه انتشارات علامه.

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲ م). المعارف. (کوشش، ثروت عکاشه). قاهره، الهیئه المصریه.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا). الفهرست. (کوشش، محمدرضا تجدد). بی جا، بی نا.

إربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ق). کشف الغمه. تبریز، مکتبه بنی هاشمی.

اسدی، علی (۱۳۸۷). کتاب مقدس و جایگاه آن در مناظرات امام رضا. معرفت، ش ۱۲۹.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۲). المسالک و السالک. (کوشش، رحیم رضازاده ملک).

تهران، کتابخانه.

اکبری، امیر (۱۳۹۲). نقش حضور امام رضا در گسترش تحولات فرهنگی و آزاداندیشی مرو.

فرهنگ رضوی، سال اول، شماره ۱.

بارتولد (۱۳۵۸ ش). تذکره جغرافیای تاریخی ایران. (ترجمه، حمزه سردادور). تهران، توس.

پاکدامن، محمدحسن (۱۳۸۷ ش). گرایش‌های کلامی در عصر امام رضا. اطلاعات حکمت و

معرفت، شماره ۳۲.

جمیلی، رشید (۱۳۸۵). نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام در قرن سوم و چهارم هجری.

(ترجمه، صادق آیینه‌وند). تهران، سمت.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم، مؤسسه آل البيت.

حر، سید حسین (۱۳۷۳ ش). امام رضا در ایران. قم، معارف.

حسینی جلالی، سید محمدرضا (۱۴۱۸ ق). تدوین السنه الشریفه. قم، مرکز النشر التابع

المکتب الاعلام الاسلامی.

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱). انسان ۲۵۰ ساله. تهران، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۶). لغت‌نامه. (کوشش، محمد معین). تهران، شرکت چاپ گلشن.
- دهقان‌پور، زهره (۱۴۰۲). سیاست مذهبی مأمون و گسترش تشیع در ایران. فصلنامه سخن تاریخ، شماره ۴۴.
- رمزی، صمد؛ حاجیلو، جلیل (۱۳۹۳). بررسی آثار و برکات هجرت امام رضا علیه السلام به ایران، از دیدگاه بزرگان. نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی.
- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم (۱۳۸۲ ق). الانساب. حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- شاهرخی، سید علاء‌الدین (۱۴۰۱ ش). راهبردهای فرهنگی امام رضا علیه السلام در نیل به وحدت اسلامی طی دوران ولایت‌عهدی در ایران. فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، ۱۰ (۳).
- شرفایی، محسن؛ اکبری چناری، علی (۱۳۹۷). ادیان خراسان در عصر امام رضا علیه السلام. مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- صادقی کاشانی، مصطفی؛ صفری فروشانی، نعمت اله (۱۳۹۵). رویکردها و مبانی تقسیم دوره‌ای زندگانی ائمه علیهم السلام. دو فصلنامه علمی تخصصی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام، ۱ (۲)، ۲۷-۴۴.
- صادقیان، محمد (۱۳۸۸). نگاهی بر شیوه مناظره امام رضا با بزرگان ادیان. مشکات، ش ۱۰۲.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۴۰۳). الإحتجاج. مشهد، مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). إعلام الوری. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- طبری آملی، عمادالدین (۱۴۲۰ ق). بشاره المصطفی. (کوشش، جواد قیومی). قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق). تاریخ الأمم و الملوک. بیروت، دارالتراث، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲ ش). تلخیص الشافی. قم، المحبین.
- عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۳۹۸ ق). حیاة الامام الرضا علیه السلام. بی‌جا، دارالتبلیغ الاسلامی.
- عرفان‌منش، جلیل (۱۳۷۴ ش). جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو. مشهد، آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۸۹). همگام با امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو. مشهد، آستان قدس رضوی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۸). گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ۴ (۱۴).
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن (بی‌تا). روضه الواعظین. قم، رضی.
- قرشی، باقر (۱۳۸۰ ش). حیاة الامام الرضا علیه السلام. قم، سعید بن جبیر.
- کحاله، عمر (بی‌تا). معجم المؤلفین. بیروت، مکتبه المثنی، داراحیاء التراث العربی.

- کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). کنز الفوائد. قم، مکتبه المصطفوی.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۸ ش). تاریخ ایران در زمان ساسانیان. (ترجمه، رشید یاسمی). تهران، دنیای کتاب، چاپ ششم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ ش). الکافی. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- _____ (۱۳۷۵). اصول کافی. (ترجمه، محمدباقر کمره‌ای). قم، اسوه.
- لسترنج، گای (۱۳۳۷ ش). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. (ترجمه، محمود عرفانی). تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار. بیروت، موسسه الوفاء.
- مجیدی، حسن (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا. فرهنگ رضوی، شماره ۲.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۷). فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی. تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). الأمالی. قم، کنگره جهانی شیخ مفید.
- _____ (۱۴۱۴). أوائل المقالات. (کوشش، إبراهيم الأنصاری). بیروت، دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع.
- منجم، اسحاق بن حسین (۱۴۰۸ ق). آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهورة فی کل مکان. بیروت، عالم الکتب.
- علی بن موسی الرضا. (۱۴۰۲ ق). طب الرضا. قم، دارالخيام.
- میرحسینی، یحیی؛ کریمی، محمود (۱۳۹۲). روش‌های رویارویی امام رضا با پیروان ادیان، فرق و مذاهب اسلامی. فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات. دوره ۱۴، شماره ۲۳.
- میرحسینی، یحیی؛ میرجلیلی، علی محمد؛ زارعی، حسن؛ هاشمی، زهرا (۱۳۹۹). مواضع امام رضا در برابر گفتمان‌های مشروعیت سیاسی دستگاه خلافت. فصلنامه فرهنگ رضوی، شماره ۳۱.
- ناجی، محمدرضا (۱۳۸۷ ش). امام رضا. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). فهرست اسماء مصنفی الشیعه. قم، جامعه مدرسین.
- هاشم، جوزف (۱۹۶۰). سلیمان البستانی و الایاذه. بیروت، مکتبه المدرسه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۴۱۳). تاریخ یعقوبی. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- Gutas, Dimitri. 1998. Greek Thought, Arabic Culture: The Graeco-Arabic Translation Movement in Baghdad and Early Abbāsīd Society (2nd-4th/8th-10th centuries). London: Routledge.